مبارزه سیاسی قوام السلطنه و مشار الملک

مشار، علی

پس از کودتای سوم اسفند 1299 و تشکیل کابینهء سید ضیاء الدین طباطبائی‏ میرزا حسن خان مشار(مشار الملک)از طرف سلطان احمد شاه قاجار بوزارت دربار منصوب گردید(رجب 1339 هجری قمری).سلطان احمد شاه قاجار و مشار الملک‏ هردو نسبت بمرحوم سید ضیاء الدین طباطبائی نظر موافقی نداشتند.پس از سه ماه‏ فرمان عزل سید ضیاء الدین طباطبائی از طرف احمد شاه قاجار صادر و توسط مشار الملک‏ بوی ابلاغ گردید-و اطاقهای دفتر ریاست وزراء توسط مشاور الملک مهروموم گردید و سید ضیاء الدین طباطبائی با دریافت بیست و پنج هزار تومان از دولت(از تجارتخانهء حاج امین الضرب براتی به فرانک سویس دریافت نموده)با مراقبت مأمورین نظامی‏ باتفاق کلنل کاظم خان سیاح از ایران تبعید میشود.

پس از سقوط کابینهء سید ضیاء الدین طباطبائی،مشیر الدوله و مستوفی الممالک‏ دعوت بکار میشوند که قبول نمی‏کنند.سپس مرحوم مشار الملک وزیر دربار از طرف‏ سلطان احمد شاه قاجار مأمور تشکیل کابینه میشود،ولی با مخالفت شدید وزیرمختار انگلیس مواجه میشود و پس از چند روز مرحوم قوام السلطنه به ریاست وزرا انتخاب‏ شد.(مرحوم قوام السلطنه والی سابق خراسان بود که به‏دستور سید ضیاء الدین طباطبائی‏ توسط کلنل محمد تقی خان پسیان فرماندهء ژاندارمری خراسان در مشهد بازداشت و روانهء زندان عشرت‏آباد شده بود).

پس ازآنکه قوام السلطنه شروع بکار کرد بنابر عادت دیرین بفکر انتقام‏جوئی‏ از کلنل محمد تقی خان پسیان افتاد.در این موقع اتحادی بین مرحوم مشار الملک وزیر دربار و کلنل محمد تقی خان پسیان حاکم نظامی خراسان و سید مهدی فرخ(معتصم‏ السلطنه)کارگزار خراسان عملا معاونت کلنل پسیان را در دوران قیام بعهده داشت‏ به‏وجود آمد و تصمیم گرفته میشود که قسمتی از قوای ژاندارمری خراسان به ریاست‏ کلنل محمد تقی خان پسیان به تهران بیاید و مرحوم قوام السلطنه را بازداشت و حکم‏ ریاست‏وزرائی مشار الملک را از سلطان احمد شاه بگیرند.

رابط بین تهران و مشهد مرحوم ظهیر الاسلام(سید جواد امامی)نایب التولیهء سابق آستان قدس رضوی بود.نامبرده در آخرین لحظات جریان را برای وزیرمختار انگلیس فاش می‏کند و از وی تقاضای حمایت می‏شود.وزیر مختار انگلیس بدون‏ درنگ قوام السلطنه را در جریان امر قرار میدهد.قوام السلطنه که از مدتی قبل بفکر نابودی کلنل محمد تقی خان پسیان بود بر شدت اقدامات خود علیه کلنل پسیان افزود تاآنکه مرحوم کلنل پسیان که مردی وطن‏دوست و آزادیخواه بود بتحریک قوام السلطنه و توسط عوامل سردار معزز بجنوردی در قوچان بقتل رسید و ظهیر الاسلام و تعداد دیگری از دوستان وی بازداشت میشوند.

سپس قوام السلطنه بفکر بازداشت مشار الملک افتاد و چون ایشان در قصر صاحبقرانیه اقامت داشت موفق باجرای منظور خود نمی‏شد.پس از چند روز قوام‏ السلطنه و سردار سپه،احمد شاه را تحت فشار قرار میدهند که با تبعید مشار الملک وزیر دربار از ایران موافقت نماید(توضیح آنکه مشار الملک علاوه بر وزارت دربار نمایندهء مجلس دوره چهارم نیز بود).بالاخره در تاریخ دهم مهرماه 1300 مشار الملک را از قصر صاحبقرانیه به بغداد تبعید می‏کنند.و چون نامبرده وکیل مجلس بود و مصونیت‏ پارلمانی داشت،لذا در مجلس چهارم گفتگوئی برپا شده و از قوام السلطنه توضیح‏ میخواهند.بطوریکه قوام السلطنه برای پاسخ‏گوئی در مقابل وکلای دورهء چهارم محرمانه‏ دستور میدهد که مشار الملک را در همدان متوقف نمایند و مأمورینی از تهران به همدان‏ میفرستد که با زور اسلحه استعفای مشار الملک را از وکالت مجلس اخذ نمایند و نیت‏ خود را نیز بمرحلهء عمل درمیآورد.

مشار الملک پس از ورود به بغداد جریان کامل مذاکرات خود را با سلطان احمد شاه و وقایعی که در بین راه اتفاق افتاده بود و طریق اخذ استعفای وکالت مجلس‏ بزور اسلحه توسط عوامل قوام السلطنه را بوسیلهء تلگرافات متعدد باطلاع ریاست مجلس‏ شورای ملی(مؤتمن الملک پیرنیا)و مرحوم سید حسن مدرس و سایر نمایندگان مجلس‏ رسانیدند ولی قوام السلطنه به شاهزاده شهاب الدوله(اسد الله میرزا شمس ملک‏آرا) وزیر پست و تلگراف دستور داده بود که تلگرافات مخابره شده را توقیف کند و به مقصد نرسانند.

مشار الملک پس از مدتی توقف در بغداد متوجه میشود که تلگرافات مخابره‏ شده توقیف شده و به مقصد نرسیده است.لذا مینوت تلگراف را در بغداد به چاپخانه‏ می‏دهد و تعداد زیادی از تلگراف مزبور را بصورت اعلامیه چاپ مینمایند و توسط پست‏ و مسافر به تهران ارسال مینماید و به ریاست مجلس و نمایندگان مجلس میرسد(یک نسخه‏ از تلگراف مزبور پیوست است).پس از مدتی کابینهء قوام السلطنه سقوط میکند و این‏ تلگراف در جلسه علنی مجلس شورایملی دورهء چهارم مطرح میگردد و مذاکراتی‏ دربارهء آن صورت میگیرد.

بالاخره مرحوم ارباب کیخسرو و شاهرخ پیشنهاد مینماید که در پاسخ تلگراف‏ مشار الملک از طرف ریاست مجلس شورایملی تلگرافی مخابره شود که مراجعت ایشان‏ بایران و تعقیب دعاوی خود مانعی ندارد.این پیشنهاد با اکثریت به تصویب نمایندگان‏ مجلس دورهء چهارم میرسد و مشار الملک به ایران بازمی‏گردد.

در متن تلگراف

منظور از عبد الله خان امیر تومان،سرلشگر عبد الله خان امیر طهماسب

و منظور از یاور قزاق،سرلشکر کریم آقا بوذرجمهری است.